

گفتگوی رادیو کاسل با علی جوادی درباره ترورهای اخیر و اوضاع سیاسی ایران

صفحه ۲

مشروطه‌خواهان از بازی خسته شده‌اند

صفحه ۳

رسانه ها و "جامعه باز" صفحه حزب رویدادهای ایران نگاهی به اخبار جهان

صفحه ۲

صفحه ۳

صفحه ۴

صفحه ۴

مصطفی صابر

خصلت سیاسی اعتراضات ماههای پایان سال

بهمن و اسفند فرا میرسد. دو ماهی که سنتا مبارزات کارگران ایران بر سر دستمزد اوج میگیرد. سال گذشته اعتراضات کارگری در ماههای پایانی اوجی بی سابقه یافت. امسال اوضاع چگونه خواهد بود؟ برخی اخبار و همینطور شواهدی نظیر به جنب و جوش افتادن شوراهای اسلامی و اقدامات پیشگیرانه وزارت کار که به کارفرمایان گفته "طبقه بندی مشاغل را هرچه زودتر به اجرا درآورید"، حکایت از آن میکنند که کارگران برای دور دیگری از مبارزات پایان سال آماده میشوند.

سال ۷۷ یکی از دشوارترین سالها برای طبقه کارگر ایران بوده است. صدها هزار کارگر ماهیست که هیچ مزدی دریافت نکرده اند. بسیاری کارخانه ها در معرض تعطیلی قرار دارند و قیمتها دمی از بالا رقتن نمی ایستند. حرکات پراکنده بسیاری که در اعتراض به تعویق در پرداختها، در اشکال اجتماع در کارخانه یا در سطح شهر و در برابر مراکز دولتی صورت گرفت، به اندازه کافی نیرومند نبود تا تغییر جدی در موقعیت اقتصادی کارگران ایجاد کند. این در شرایطی بوده که سرکوب و دستگیری کارگران پیشرو به کمک شوراها و انجمنهای اسلامی ادامه داشته است.

اما از جنبه سیاسی و مبارزه علیه رژیم اسلامی، سال ۷۷ سال پیشرفتهای و فشرده تر شدن حلقه اعتراض عمومی بر گلو رژیم اسلامی بوده است. اعتراضات کارگری اگر در گرفتن این یا آن خواست بلافصل کارگران چندان موفق نبوده، اما از لحاظ سیاسی یک رکن مهم یک موج اعتراض اجتماعی علیه جمهوری اسلامی بوده است. اعتراض اجتماعی که رژیم اسلامی را به اعتراف رسمی به آدم زدی و ترور و قتل مخالفین خود مجبور کرده و آنرا به شدیدترین بحران حکومتی حیات ننگینش فرو برده است.

بدین ترتیب، ماههای پایانی سال در شرایطی فرا رسیده که از لحاظ سیاسی توازن قوا بشدت به نفع کارگران تغییر کرده است. برای موفقیت در مبارزات پایانی امسال باید از اینجا شروع کرد. مهمترین نکته اینست که کارگران بتوانند نیروی سراسری خود را به میدان بیاورند. طرح شعارهای واحد و سراسری اولین رکن سراسری کردن اعتراضات کارگری است. افزایش دستمزدها بی شک یک شعار محوری است. اما طبقه کارگر نمی تواند و نباید به شعارهای اقتصادی محدود بماند. حتی یک مبارزه سراسری صرفا اقتصادی به یک نیروی عظیم سیاسی تبدیل خواهد شد. مقابله رژیم با چنین حرکتی بلافاصله سیاسی خواهد بود. چه بهتر که از همان ابتدا شعارهای سیاسی طبقه مان و خواستهایی که برای بهبود کل جامعه است را نیز طرح کنیم. جدانی مذهب از دولت، برابری زن و مرد، الغای حجاب اجباری، آزادی اعتصاب و تشکل، آزادی زندانیان سیاسی و انحلال شوراها و انجمنهای اسلامی، از جمله فوری ترین مطالباتی است که نیروی عظیم اجتماعی را پشت سر کارگران خواهد آورد، آنها را در موضعی قویتر قرار خواهد داد و اوضاع سیاسی ایران را از بنیاد دگرگون خواهد کرد.

مساله دیگر تشکل است. طبقه کارگر ایران از تشکل های پایدار و قانونی خود محروم است، اما تجربه سال ۵۷ نشان داد که میتواند سریعاً متشکل شود. اکنون لازم است از تجربه ۵۷ هم جلوتر رفت. میتوان در دل همین اعتراضات جاری مجامع عمومی و نطفه شوراها واقعی کارگری را برپا داشت. در این رابطه نقش کارگران کمونیست و پیشرو بسیار مهم است. ارتباط بین محافل کارگران سوسیالیست که رهبران عملی اعتراضات جاری هستند و برقراری تماس آنها با حزب اهمیت کلیدی دارد. این بویژه در مراکز مهمی چون نفت، مخابرات، توانیر، حمل و نقل، ذوب آهن و غیره حیاتی است.

نکته دیگری که نباید فراموش شود بسیج نیروی حمایت بین المللی طبقه کارگر است. رساندن سریع اخبار اعتراضات به حزب و انتشار آن در سطح جهانی یک شرط اولیه برای جلب همبستگی بین المللی است.

ماههای پایانی امسال میتواند متفاوت باشد. مبارزه سنتی بر سر دستمزدها میتواند در عین حال عرصه عروج سیاسی و انسجام سازمانی طبقه ای باشد که برای نجات کل جامعه از شر جمهوری اسلامی قد بر می افرازد.

<http://www.wpiran.org>

با مراجعه به صفحه حزب در اینترنت میتونید آخرین اطلاعاتی های حزب و جدیدترین شماره های ایسکرا را ملاحظه کنید. برای خواندن و پرینت کردن اطلاعاتی های حزبی به خط و یا برنامه ویژه ای نیاز نیست. برای خواندن و پرینت نشریات به برنامه آکروبات ریدر احتیاج است، این برنامه مجاني است که میتونید از طریق صفحه حزب در اینترنت هم آنرا تهیه کنید.

اشغال دفتر هواپیمائی رژیم اسلامی در استکهلم

طبق اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران... واحد سوند، فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در اعتراض به رژیم تروریست و آزادی ستیز جمهوری اسلامی و در همبستگی با مبارزات مردم ایران، روز جمعه ۲۹ ژانویه دفتر مرکزی "ایران ایر" هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران در شهر استکهلم را اشغال کردند. فعالین حزب بعد از اشغال این دفتر، و پائین کشیدن پرچم جمهوری اسلامی، پوستر سران رژیم را پاره کردند و اقدام به نوشتن شعار "سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی" کردند. فعالین حزب بعد از انجام این آکسیون از محل خارج شدند. این دومین بار در طول چند هفته گذشته است که دفتر هواپیمائی جمهوری اسلامی در سوند توسط مخالفین رژیم اشغال میشود.

تحصن کارگران توانیر و زمزمه اعتصاب آنان

هفته گذشته کارگران شرکت توانیر در اهواز دست به یک تحصن دو روزه زدند. کارگران علیه سیاست دولت مبنی بر واگذاری کارهای شرکت به پیمانکارهای خصوصی که منجر به بیکاری تعدادی از کارگران میشود اعتراض داشتند و اخطار کردند که در صورت به اجرا گذاشته شدن این تصمیم دست از کار خواهند کشید. بنا به گزارشات رسیده کارگران توانیر تهران و اصفهان نیز به سیاست واگذاری به پیمانکاران خصوصی به شیوه های مختلف اعتراض کرده اند. در بین کارگران توانیر زمزمه اعتصاب سراسری شنیده میشود.

رفقای کارگر شرکتهای توانیر

شما همچون کارگران نفت، مخابرات، ذوب آهن و غیره از جمله بخش های قدرتمند طبقه کارگر هستید که، بویژه در شرایطی که رژیم اسلامی تحت فشار اعتراضات مردم به گوشه ای از جنایات خود اقرار کرده و به حادثترین بحران سیاسی دچار شده است، اعتصاب و تحرک سراسری تان به یک رویارویی سیاسی مهم با جمهوری اسلامی و یک واقعه مهم در تحولات سیاسی جاری تبدیل خواهد شد. این نقطه قوت شماست. بر این نقطه قوت به روشنی دست بگذارید و علاوه بر خواستههای اقتصادی کارگران، بنام کل جامعه با خواستههای سیاسی و رفاهی برای همه انسانهای تحت ستم وارد میدان شوید. پرچم آزادی بی قید و شرط سیاسی، برابری حقوق زن و مرد، سی ساعت کار، بیمه بیکاری، لغو حجاب اجباری، لغو سنگسار و اعدام و تمامی قوانین اسلامی هنوز با قدرت و صلابت در فضای سیاسی ایران افراشته نشده است. این کار طبقه کارگر است.

پیروز باد مبارزات کارگران توانیر!

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران (کمیتته داخل)

۲۸ دی ۷۷ - ۱۸ ژانویه ۱۹۹۹

داخلی و خارجی شناور شده است و تیشه ای که حضرات گمان می کنند بر پشت رقیب فرو میکوبند در حال شکستن کشتی همگانی ملت و دولت ایران است. اگر این ضربات ناشیانه ادامه یابد نه از تاک نشانی خواهد ماند و نه از تاک نشان. و نتیجه میگیرد: حیات سیاسی همه جناحهای رژیم به حل مدبرانه "بحران قتلهای سازمان یافته" گره خورده است. بحران قتلهای سازمان یافته؟ حل مدبرانه؟ نه، این بحران جمهوری اسلامی است که میخواست با قتلهای سازمان یافته، کشتی در حال غرقش را نجات دهد. غافل از آنکه این کشتی، در امواج متلاطم نسلی از کارگران، زنان و جوانان و میلیونها مردم معترض و خشمگین و مشتاق جامعه رها از توحش اسلامی هر روز بیشتر در باطلاق کثافتش فرو میرود. این کشتی سوراخ شده است. باید آنرا در هم شکست.

محسن ابراهیمی

این کشتی سوراخ شده است! باید آنرا در هم شکست

وقتی سران رژیم اسلامی در کمیته ای طرح ربودن و سر به نیست کردن مخالفین را می ریختند حتما فکر می کردند با این قتلها دوره تازه ای از خفقان و سکوت را بر جامعه تحمیل خواهند کرد. رژیمی که بسادگی آب خوردن مخالفین را شکنجه و تیرباران می کرد و آن را در لیست افتخاراتش ثبت می کرد، به ربودن و کشتن مخفیانه متوسل شد تا جامعه در حال انفجار را در دلهره و وحشت جوخه های مرموز به بند بکشد. اما همه چیز در جهت مخالف پیش رفت: زیر نگاه هشیار و خشمگین مردم به دست داشتن خود در کشتارها اعتراف کرد؛ صفوفش بیش از پیش در هم ریخت؛ اعتماد به نفس مردم بالا رفت و اپوزیسیون طرفدارش هم به آشفتگی دچار شد طوری که دیگر به صراحت سابق نمی تواند با "جناح خوب" رژیم سر خود و طرفدارانش را گرم کند. اینها همه نشانه هایی از اینست که شرایط سیاسی در ایران به لحظاتی بیسابقه، خظیر و حساس وارد شده است.

رژیم اسلامی در موقعیت بدی گیر کرده است. صفوفش بیش از پیش پریشان است. تاثیر حقه بازیهای سیاسی اش ته کشیده است. هر کلکی بر علیه خودش کار میکند. تاکتیک جوخه های مخفی کشتار راه می اندازد. اما وقتی زیر فشار مردم سکوت خود را می شکند راهی جز اعتراف ندارد. به هر سمتی می چرخد با انگشت اتهام دهها میلیون مردم روبرو میشود. به هر چهره ای نگاه میکند دریایی از نفرت دریافت می کند. به هر شاخه ای دست دراز می کند می شکند. پژواک اتهام از طرف میلیونها مردم در گوششان طنین می افکند، به سرگیجه می افتد و به تجسمی از جنایت، ضعف و حقه بازی تبدیل میشود. جناحهایش همدیگر را متهم می کنند و همزمان دست کمک بسوی هم دراز می کنند. برای همدیگر پاپوش درست می کنند و همزمان از هم حمایت میکنند. علنا از بی اعتمادی مردم نسبت به رژیم سخن می گویند اما اعتراف به قتل و کشتار از طرف یکی از کثیف ترین ارگانهای یعنی وزارت اطلاعات را "صداقت" نام میگذارند و وانمود میکنند "اعتماد" مردم دو باره جلب شده است. علنا میگویند از نظر مردم "عاملین این قتلها از درون نظام بوده و به مراکز و منابع قدرت اتکا دارند" ولی ابلهانه فکر میکنند با پیش انداختن "تعدادی کج اندیش داخل وزارت اطلاعات" خواهند توانست مجرمین اصلی را پشت پرده نگاه دارند.

می دزدند و می کشند و وقتی دستشان رو میشود تازه مذبوحانه می خواهند از مردم طلبکار هم باشند. خامنه ای اوواک را تحسین میکند که "لطف کرده نقطه ضعف پیکره اش را به اطلاع مردم رسانده است." خاتمی "رهبر بزرگوار" را می ستاید که "عزم کرده این جنایات را ریشه کن کند" و کارگزاران سازندگی هر دو را تحسین می کنند که "نقش تعیین کننده در کنترل فتنه داشته اند و با دستگیری عوامل قتلها امکان داده اند جامعه نفس آرامی بکشد."

این فقط نمونه ای تازه از دغلکاری دائمی آخوندی نیست. خود را باخته اند و با این پیچ و تابها به همدیگر اعتماد به نفس می دهند. همه میدانند و خودشان بهتر از همه، که مردم نمیتوانند در کنار و زیر چنگال این جانوران درنده اسلامی نفس آرامی بکشند. در میان کابوسی از آینده تاریک، نفسیشان بند آمده و با این خود فریبی می خواهند خودشان لحظاتی نفس آرام بکشند.

اما یک حقیقت سیاسی در اوضاع ایران امروز آنچنان صریح است که پژواکش رسانه های رسمی دو جناح رژیم را هم در برگرفته است. جالب است که دو روزنامه از دو جناح حتی تشبیهات شان برای ترسیم موقعیت رژیم مشابه است: روزنامه جمهوری اسلامی هشدار میدهد که "دیگر هیچ جناحی در دل مردم جا ندارد" و رژیم اسلامی را به کشتی ای در دریای متلاطم تشبیه میکند که سرنشینان آن هر کدام به سوراخ کردن قسمتی از کشتی مشغولند. فکر می کنند با این کار آن دیگری غرق میشود و خود کشتی را تصاحب می کنند غافل از اینکه وقتی کشتی سوراخ شود همه غرق میشوند و دیگر از خود کشتی و سرنشینان آن اثری باقی نمی ماند. این را در کنار سرمقاله روزنامه همشهری قرار دهید تا از موقعیت حکومت بیست سال توحش اسلامی تصویر دقیق تری بگیرید: کشتی جمهوری اسلامی که همه جناحها بر آن سوارند در دریای متلاطم بدگمانی های

گفتگوی رادیو کاسل با علی جوادی دربارهٔ ترورهای اخیر و اوضاع سیاسی ایران

رادیو کاسل: با توجه به اطلاعاتی

اخیر وزارت اطلاعات و امنیت رژیم، که در آن به صراحت آمده، که عامل قتل‌های اخیر، از کارمندان همین وزارتخانه بوده‌اند، این واقعه موقعیت خاتمی را دچار تناقض کرده است. این تناقض رژیم را، با توجه به چهره‌ای که توسط هواداران خاتمی، چه در داخل و چه خارج میکوشند بعنوان "تاجی مردم" از او ارائه دهند، چگونه ارزیابی میکنید؟

علی جوادی: اجازه دهید ابتدا این نکته را در مورد سؤال شما ذکر کنم، وزارت اطلاعات رژیم اعلام کرده که عامل قتلها از عناصر و کارمندان این رژیم بوده است، اما همه مردم میدانند که رهبران قاتلین، ارگانهای سازمانده این قتلها و نه تنها این قتلها بلکه قتلها و کشتارهایی که در طول دو دهه حاکمیت این رژیم صورت گرفته است، رژیم اسلامی، در کلیتش است و نه فقط چند عنصر جانی و دون پایه وزارت اطلاعات. راستش هر کس که اندک آشنایی با تاریخ حاکمیت رژیم اسلامی داشته باشد، میداند که چه کسانی دست اندر کار این قتلها هستند.

اما مسئله مهم بنظر من اعتراض اکنون این جانبان به قتل اپوزیسیون، بلکه در درجه اول پرده پوشی این قتلها و انکار اولیه آن از طرف رژیم، است. مسئله مهم این است که چه شده که رژیمی که در روز روشن و شب تاریک دسته دسته از کمونیستها و آزادیخواهان را اعدام کرده است، به این اقدام جنایتکارانه خودش بالیده است، لیست کشته شدگان را در روزنامه‌های صبح و عصرش چاپ کرده است. حالا اعلام میکند که من نبودم، بلکه عده معدودی در دستگاه امنیتی بودند که خودسرانه عمل کرده اند. بنظر من سؤال در رابطه با این قتلها تعیین کننده‌تر است.

برای پاسخ، علت واقعی را باید در شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران، درجه و موقعیت مبارزات اجتماعی مردم، درجه گستردگی اعتراضات کارگری، و میزان کینه و نفرت عمیق مردم از این رژیم جستجو کرد. برای درک بهتر این واقعه کافی است کمی به عقب برگردیم و شرایط استقرار حاکمیت رژیم را در نظر بیاوریم. در آزمون رژیم در اوج توحش به چنین اقداماتی میبایلد. لاجوردی عربده میکشید که کم اعدام کرده‌ام. اما امروز شرایط متفاوت است. این اوباش سیاسی در موقعیت ضعف قرار گرفته‌اند. دست و پای خودشان را کم کرده‌اند. میدانند که مردم مترصد سرنگونی کل این رژیم هستند از اینروست که ابتدا انکار کردند که کار خودشان بوده است. به رهبری خودشان بوده است. به دستور خودشان بوده است. و بعد در کمال زبونی، پس از مواجهه با موج اعتراضات اجتماعی، چه در داخل و چه در خارج، پس از بند و بستهای متفاوت در کمال حماقت اعلام کردند که کار گروهی معدود از عناصر وزارت اطلاعات بوده است. اینها فهمیدند که حتی انکار این جنایت مردم را جری تر خواهد کرد.

از اینروست که در پروسه عقب نشینی حاضر شده‌اند عناصری از خودشان را قربانی کنند تا بتوانند کل سیستم را از زیر ضرب اعتراضات اجتماعی کنار بکشند. بنظر من پس این اقدامات رژیم، فقط یک واقعیت را باید دید و آن این است که ورق به نفع مردم برگشته است. این آن حقیقت ساده پشت تحولات اخیر است.

اما در باره قسمت دوم سؤال اینکه این تناقض را، با توجه به چهره‌ای که

جناح خاتمی در داخل و خارج میخواهد

بعنوان "تاجی" از او نشان دهد، چگونه باید ارزیابی کرد؟ باید به چند نکته اشاره کرد. اولاً این تناقض را، اگر اصولاً تناقضی باشد، باید طرفداران خاتمی چه در درون و چه در بیرون حاکمیت توضیح دهند. اما بنظر تناقضی در کار نیست. خاتمی و جناح خط امام رژیم همین است که هست. برای ما، برای حزب کمونیست کارگری، که از ابتدا جوهر تلاشهای جناح خاتمی را برای مردم توضیح داده‌ایم، گفت‌ایم که جناح خاتمی درست همانند جناح خامنهای و رفسنجانی جوهر تلاششان برای حفظ این نظام نکبت اسلامی قرن بیستم است، برای ما این اقدامات تناقضی در این سیستم نیست. صرفاً بروزات واقعیت محتوای این جناح از رژیم است. برای ما که به مردم و جامعه گفت‌ایم، دعواهای این دو جناح بر سر چگونگی حفظ نظام است. دعوا بر سر اعلام از کار افتادن سیاست قلع و قمع و بستن شمشیر خونین اسلام از رو از طرف جناح خاتمی است. دعوا بر سر تلاش برای ادامه

سیاست متکی به زبان بریدن و گردن زدن از طرف جناح خامنهای است. تناقضی در کار نیست. ما گفت‌ایم که دعوا بر سر به بن بست رسیدن سیاست سرکوب است، دعوا بر سر توهم سیاست خاتمی به پایهای رژیم اسلامی در ایران است و به بن بست رسیدن توحش سیاست خامنهای است. این اتفاقات تناقضی را بیان نمیکند، واقعیات را منعکس میکنند.

اما شما درست میگویید، این اقدامات برای نیروهای حقیر مدافع خاتمی تناقض گویی است. بعلاوه این دفعه اولی نیست که دچار چنین مشکلی شده‌اند. مسئله ترور لاجوردی، مسئله ولایت ققیه، همه و همه بیانگر عوامفریبی های این نیروهاست. راستش تاریخ سیاسی این جریانات مملو از چنین تلاشهای حقیری است.

رادیو کاسل: آیا اپوزیسیون پرو رژیم خارج از کشور، بعد از این اطلاعاتیه، باز هم به خاتمی وفادار خواهد ماند؟

علی جوادی: بنظر من تا آنجا که به خود این نیروها بر میگردد جواب در اساس مثبت است. حداقل اکنون که تمام مشاهدات، مستقل از بالا و پایین شدن آن، نشان دهنده این است که این نیروها به سیاست دفاع خود از خاتمی وفادارند. بله، این نیروها به سیاست خود در دفاع از جناح خاتمی ادامه خواهند داد. راستش انتظار عملکرد پایهای دیگری از این نیروها خطاست. این طبیعت این نیروهاست. کلاً معتقدم، اشتباه است اگر فکر کنیم که این تناقضات و آبرویاختنها، باعث خواهد شد که این جریانات از سیاست دفاع از خاتمی کاملاً دست بردارند. تا زمانیکه جناح بندبدهای رژیم موجود است، این نیروها میتوانند رژیم را به جناح خوب و بد تعریف کنند، حتماً تا آن زمان این نیروها از یک جناح و سیاستهایش به درجات متفاوت دفاع خواهند کرد.

بعلاوه فکر میکنم مسائل پایهای تری این نیروها را با جناح خاتمی پیوند میدهد. این نیروها در اققهایشان با این جناح از رژیم شریک اند. از زندگی و آینده همان انتظاری را دارند که جناح خاتمی دارد. کلاً شوق زده‌اند، اسلام زده‌اند. آخوند با تمام کراختش برای این نیروها شخصیتی تاریخی و برجسته است. از آزادی کامل زن بیزارند. از اینکه جامعه بر مبنای آلترناتیو کارگری سازماندهی و اداره شود، بیزارند. حاضرند با آخوند و هر جک و جانوری به هر نوع وحدتی در مقابل آزادیخواهی کارگر، و

آلترناتیو سوسیالیستی کارگر برسند. فکر میکنم این مسائل پایهای، این گرایش زیربنایی اجازه نخواهد داد که این سنگر بی آبرو را ترک کنند. اما یک واقعیت مسلم است و آن این است که این صف، صف توده‌ایستی و میلیون حنایشان دیگر رنگی برای مردم ندارد. در نزد مردم آبرو باخته‌اند. سرنوشت سیاسی این نیروها، ایزوله شدن و بی آبرو شدن بیشتر است. سرنوشت جناح خاتمی هم که روشن است! اما این نکته را هم باید ذکر کنم بنظر من میزانی که پروسه سرنگونی رژیم ابعاد عملی تری بخود بگیرد، این نیروها نیز سیاست خود را در قبال اوضاع تغییر خواهند داد. رنگ عوض خواهند کرد، و برای جلوگیری از بی آبرویی باز هم بیشتر خود تاکتیکیهای جدید اتخاذ خواهند کرد. در اشکال جدید در سیاست دفاع از اسلام، شرق زدگی، جلوگیری از درهم شکستن ارگانهای سرکوبگر رژیم، جلوگیری از گسترش آلترناتیو کارگری، ظاهر خواهند شد. این قابلیت را این نیروها به کرات در طول عمر خودشان نشان داده‌اند، از این بابت نباید تمام شده فرضشان کرد.

رادیو کاسل: فکر میکنید پس از این اطلاعاتیه، رژیم دست از ترور (چه در داخل و چه در خارج) بعنوان یکی از ابزار سرکوش خواهد کشید؟

علی جوادی: هیچ وجه! ببینید، رژیم اسلامی، اسلام سیاسی، تروریسم در جوهر وجودی‌اش است. با تروریسم متولد شده است، با تروریسم سایه کثیف خودش را بر مردم و نه فقط مردم در ایران بلکه گرفته تا افغانستان و پاکستان و تاجیکستان و چچنی و قلب اروپا و آمریکا تحمیل کرده است. و تا دم مرگ هم دست از تروریسم و آدمکشی بر نخواهد داشت. بنظر من در این باره نباید کوچکترین توهمی داشت. تروریسم خون رگهای این رژیم است. رژیم اسلامی بدون تروریسم، بدون آدمکشی، بدون ابزارهای آدمکشی چند روزی بیشتر دوام نخواهد آورد. در این واقعیت تردیدی نمیتوان

اما امروز واقعیت دیگری در مقابل این مسئله قرار دارد و آن رشد اعتراضات اجتماعی مردم و در نتیجه ناکار شدن و از کار افتادن سیاست تروریسم جمهوری اسلامی است. این واقعیت را بگونه‌ای حتی بخشی از نیروهای درونی رژیم، نیروهای حول و حوش جناح خاتمی پی برده‌اند. ببینید امروز مردم در شرایطی بسر میبرند که رژیم بابت هر گونه عمل تروریستی باید بهای سنگینی بپردازد. همین واقعیت رژیم را در موقعیت وخیمی قرار داده است. امروز با توجه به قدرت اعتراضات اجتماعی، یا توجه به گسترش مبارزات رادیکال و آزادیخواهانه مردم هر اقدام و هر موج تروریسم رژیم، دیگر به ضد خودش تبدیل خواهد شد.

نتیجتاً اگر ما شاهد درجات کمتری از توسل به سیاست ترور در داخل و خارج کشور توسط رژیم باشیم، این امر نه ناشی از کنار گذاشتن و از دستور خارج شدن این سیاست توسط رژیم، بلکه ناشی از بهای بالایی است که باید بپردازند. راستش مبارزات مردم شکافهایی را در درون رژیم ایجاد کرده است که کل کننده قرار داده است که دینامیسم و سیر طبیعی آن تنها منتج به درهم پاشیدن و فلج شدن بیشتر رژیم خواهد شد.

بهرحال، این نکته را نیز باید ذکر کنم که رژیم در سراسیبه سقوط خودش به هر جنایتی دست خواهد زد. دستهای از هم پاشیده این رژیم، ارگانهای تکه تکه شده‌اش، برای حفظ وجود کثیفشان از هیچ جنایتی رویگردان نخواهند بود. این جریانات اسلامی کاملاً قابلیت این را دارند که فضای سیاسی ایران را نیز به فضای الجزایر تبدیل کنند. شاید بشود مسئله را اینطور خلاصه کرد که این رژیم با جنایت و کشتار به قدرت رسید و متولد شد، در مرگ خودش هم دست به جنایات زیادی خواهد زد. در این واقعیت نباید تردیدی کرد.

اما بمنظور جلوگیری از کشتارهای این رژیم آدمکش در پروسه سرنگونیش

ما باید با آمادگی و تدارک بیشتری در صحنه اجتماعی ظاهر شویم. باید کاری کنیم، که رژیم نتواند، قادر نشود چنین فجایعی را در پروسه سقوطش خلق کند. کلاً به هر میزانی که جنبشهای اجتماعی با آمادگی بیشتر، با بسیج بیشتر به دور خواستهای سراسری آلترناتیو کارگری، یعنی آزادی اجتماعی و سیاسی، برابری حقوقی و اجتماعی، و یک حکومت سکولار و کارگری گرد آیند این پروسه کم مشقت تر طی خواهد شد. هر گونه امید و توهم باطل به جناحهای رژیم، تنها به معنای اتادوم جنگ جناحها و فرصت ایجاد کردن برای جناحهای رژیم برای خلق فجایع بیشتر است. تروریسم رژیم را، جنایات رژیم را تنها جنبش اجتماعی طبقه کارگر، تنها قدرت کمونیسم کارگری که در زمان مناسب خودش قادر است با ارتش کمونیسم کارگری به صحنه آید، میتوان از صحنه جامعه پاک کرد و جواب داد. این نظام، این اوباش بسادگی از مقابل مردم و اراده شان کنار نخواهد رفت و دست از تروریسمشان نخواهند کشید.

رادیو کاسل: مدتی است که صحبت در بعضی از محافل بر سر این است که کشمکش دو جناح رژیم برای کلاه گذاشتن بر سر مردم است، نظرت در اینمورد چیست؟

علی جوادی: ببینید مردم با این تحلیل دارند این واقعیت را میگویند که این دو جناح دارای منافع مشترکی هستند. مردم با این تحلیل دارند این را اعلام میکنند که هیچکدام از این دو جناح را نمیخواهند، و هر دو جناح باید گورشان را گم کنند. هر چند که این ساده کردن صورت مسئله دعوای جناحاست. راستش من با استنتاج سیاسی از این تبیین ساده شده مسئله مشکلی ندارم. در پس این تبیین حقیقی دارد بیان میشود. اما معتقدم که دعوای جناحها واقعی است، سناریوی داده شده از پیش نیست. توطئه نیست. انعکاسی از فشار مبارزات مردم بر روی کل جمهوری اسلامی است. این دعوها، این کشمکشها و شکافها واقعی است، ناشی از این است که جناحهای رژیم در سراسیبه سقوط به جان یکدیگر افتاده‌اند. حتماً این ضرب المثل معروف را شنیده‌اید که میگوید وقتی گاری سربالایی میرود، پایوها به جان یکدیگر میافتند. این مثل مصداق شرایط امروز جنگ جناحاست. مردم درست میگویند آنچه در پس این دعوها دنبال میشود چگونگی سرکوب و انتخاب "شیوه اصلح" مقابله با مبارزات مردم است.

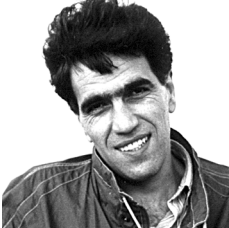
اما نه تنها دعوای جناحها، بلکه وحدت جناحها هم از همین واقعیت، گسترش مبارزات مردم، ناشی میشود. کلاً در این پروسه ما شاهد وحدت جناحها، شاهد تشدید دعوای جناحها، شاهد لیبرال شدن جناحها، شاهد به التماس افتادن این جریانات در مقابل مردم، خواهیم بود. اما هر دو شکل رابطه، چه جنگ و چه صلح، اهداف یکسانی را دنبال میکنند. این واقعیت را مردم به خوبی درک کرده‌اند.

رادیو کاسل: نقش جامعه ایرانیان خارج از کشور در یاری رسانی به تشدید اعتراضات در داخل را چگونه می‌بینید؟ **علی جوادی:** "جامعه ایرانیان خارج کشور" یک پدیده یکدست و همگونی نیست. همانطور که "جامعه ایران در داخل" یک پدیده یکدست و همگونی نیست. طبقات اجتماعی متفاوت، منافع اقتصادی و اجتماعی متفاوت این پدیده را به گرایشات اجتماعی متفاوت و جنبشهای اجتماعی متفاوت با اهداف و افقهای متفاوت تقسیم کرده است. از اینرو نمیتوان از پدیده‌ای بنام "نقش جامعه ایرانیان خارج از کشور" صحبت کرد و اهداف یکسانی را برای جنبشهای اجتماعی متفاوت بر شمرد. امروز دیگر این حکم مانیفست کمونیست جزیی از دانش عمومی بشر است که تاریخ جوامع تاریخ مبارزات طبقاتی است. که جامعه به اردوگاههای متخاصم طبقاتی تقسیم شده است.

اما به همان درجه که این فورمول باب شده است، این امر ناشی از نفوذ آراء و عقاید ناسیونالیستی است. گرایشی

یادداشت برای ایسکرا

مصطفی صابر



رسانه ها و "جامعه باز"

اقرار وزارت اطلاعات دولت خاتمی به آدمکشی و جنایات کریه اخیر، از سوی رسانه های جهانی "پیروزی خاتمی" لقب گرفت. بخش های فارسی زبان اینها، از بی بی سی تا پژواک سوئد و غیره کمابیش همین خط را دنبال کردند. در این میان اکونومیست جان کلام سیاست بورژوازی بین المللی را نوشت: این "اعتراف صادقانه" سبب "جهش در تلاشهای پرزیدنت خاتمی برای ایجاد جامعه ای باز میشود".

جامعه باز! چه تعبیر دلنشینی. حقیقت پشت این کلمات زیبا تلاشهای رژیم سیاهی است که تحت فشار اعتراض و خشم مردم مجبور شده به گوشه ای از جنایات هر روزه خود "اعتراف" کند و امیدوار است با قربانی کردن چند "گروبان قندعلی"اش و یا "یک محفل" خود را حفظ کند. این تعبیر واقعا بر دل آقای خاتمی و رفسنجانی و خامنه ای می نشیند. حتی امثال آقای نگهدار را در پورخاتمی بودن خود دلگرم میکند.

اما آیا این آقایان و خانمهای ژورنالیست حاضرند که زندگی یک روز شهروند عادی این "جامعه باز" را تحمل کنند؟

قلب حقیقت، حتی خود را به نفهمی زدن، متأسفانه شرط اول "حرفه شریف" اینها و آن فعالیت ضد انسانی است که به آن "مهندسی افکار" میگویند. مبارزه با اینها، برپایی تظاهرات سراسری در برابر دفاتر رسانه ها و افشاء سیاستهای پرو جمهوری اسلامی اینها، نه فقط میتوانند اذهان عمومی جهان را به واقعیات جامعه ایران روشن کند و کمک موثری به مبارزه مردم در ایران باشد، بلکه حتی میتوانند فرصت نفس کشیدن برای ژورنالیست هایی که بویی از شرافت و انسانیت برده اند فراهم کند.

پل پت از خودشان بود

تمام کشیش ها و خاخام ها و آخوندهای عالم، تمام سازمانهای جاسوسی و تبلیغاتی "جهان آزاد"، بخش عظیمی از آکادمیسین ها و مفسرین و سیاستمداران بورژوازی، حتی نمونه های حقیر وطنی که کوشیدند از "آزادی بیان" جنایتکاران جمهوری اسلامی در خارج دفاع کنند، همه سعی میکنند تا پل پت و جنایاتش را به کمونیستها و به آرمانهای کمونیستی و کارگری منتسب کنند. اما پلپوت از خودشان بود!

سند؟ به آخرینش توجه کنید: بعد از "سکته" و مرگ پل پت، که بهر حال از شر دادگاهی کردنش خلاص شدند، در هفته های اخیر دولت کامبوج مرد شماره ۲ "خبرهای سرخ" و یکی از دیگر از عاملین جنایات پل پت را با آغوش باز پذیرفت. ظاهراً نه دادگاهی در کار است و نه محاکمه ای. چرا؟ دلایل زیاد است. اولاً ریش خود رهبران دولت فعلی کامبوج (که مورد حمایت غرب است) گیر می افتد. ثانیاً و مهمتر، پلپوت و دولت او یکی از متحدین دولت آمریکا و چین در جریان مقابله با ویتنام و شوروی در دهه هفتاد بود. ثالثاً نمی توان از عروج پلپوت و جنایاتش صحبت کرد بدون اینکه به بمبارانهای جنایتکارانه مردم کامبوج توسط آمریکا نپرداخت. جنایاتی که خود زمینه قدرت گیری پلپوت شد. در هر دادگاهی برای جنایات وحشیانه پلپوت، باید خود این پرچمداران دمکراسی و "جهان آزاد" را نیز کنار پلپوت نشانند و محاکمه کرد. لذا بهتر است از خیر دادگاه گذشت! اما این به چنان آبروریزی میتواند منجر شود که حتی محافل راست بورژوازی جهانی را به چاره جویی واداشته است. فرمول "اکونومیست" در این میان جالب است: برای کشانده نشدن پای آمریکا و چین، فقط دوره حکومت پلپوت، فاصله ۱۹۷۵ تا ۷۹ مورد رسیدگی دادگاه قرار بگیرد. اعتراف از این روشنتر!؟

ژانویه ۹۹

که سعی میکند با منفعت یکسان تراشیدن برای جنبشهای متفاوت اجتماعی خواست و نیازهای طبقاتی را که هیچگونه منفعتی در حفظ این سیستم اقتصادی _ اجتماعی ندارد که هیچ، بلکه وجود این سیستم، به معنای وجود شرایط مکنت بار و فقر و ستم و استثمار برایش است، پنهان کند.

بهرحال در پاسخ به سؤال شما باید گفت که ما تنها میتوانیم از آلترناتیو خودمان برای جامعه صحبت کنیم. در نتیجه شاید سؤال را بشود اینطور مطرح کرد که ما کمونیستها برای گسترش ابعاد آلترناتیو و سیاست جنبش کمونیسم کارگری در سطح جامعه چه باید بکنیم؟ و در جواب باید گفت که کار ما در هر کجا که باشد دارای یک جوهر معین است. ما کمونیستیم. ما خواهان سوسیالیسم هستیم. ما معتقدیم بشریت تنها با از بین بردن نظام سرمایه‌داری بشابه مسیب تمامی مصائب کنونی جامعه بشری قادر خواهد بود که جامعه

فعالیت‌های حزب در خارج کشور

ادامه کمپین اعتراض به سفر خاتمی به فرانسه

پس از ضدونقیض گوییهای رژیم اسلامی و دولت فرانسه درباره سفر خاتمی به فرانسه، سرانجام اعلام شد که ابتدا خزای وزیر خارجه رژیم به فرانسه می‌رود و بعدا سفر احتمالی خاتمی و تاریخ آن مشخص خواهد شد. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران از نخستین روزهای اعلام سفر خاتمی به فرانسه، که قرار بود در ماه فوریه صورت می‌گیرد، کمپینی علیه سفر رئیس رژیم جنایتکار اسلامی براه انداخت. پس از تعویق سفر مورد بحث، تشکیلات خارج کشور حزب اعلام کرد که کمپین خود را در اعتراض به دولت فرانسه و برای ممانعت از سفر خاتمی ادامه خواهد داد.

پاهایمان از حرکت و گلوهایمان از فریاد، بازخواهد ایستاد

در اطلاعیه ای با این تیتیر، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران با اشاره به تغییرات انجام شده در برنامه سفر خاتمی به فرانسه و سفر خزازی به این کشور اعلام کرد که جنبش اعتراضی مردم در ایران و آتش زیر خاکستری که تنها جرقه هایی از آن جمهوری اسلامی و حامیان بین‌المللی و اپوزیسیون آیت الله را به وحشت انداخته است، تمام برنامه های اینها را به هم ریخته و تردید را خصوصیت اصلی حرکتشان کرده است. فرانسه مطمئن نیست که نفس سفر خاتمی و یا نتایج آن، مثبت باشد و یا دارای اعتبار و ضمانتی باشد. این سوال آزارش می‌دهد: ۶ ماه دیگر در ایران اوضاع به چه صورت خواهد بود؟ خاتمی نمی‌داند که مردم‌فریبی‌هایش تا چه حد حرکت مردم را به طرف آزادی، در چند ماه آینده، کند خواهد کرد و با چه میزان اعتبار و قدرت مقابل شیراک خواهد نشست و اساسا هنوز در قدرت خواهد بود یا نه؟ یک چیز، اما، در این میان کاملا مطمئن است: اپوزیسیون آزادیخواهی که در خارج ایران در چند ماه اخیر نشان داده که می‌تواند زبان حال و پیکر فعال و مشت‌گره‌کرده دهها میلیون انسان تشنه آزادی و رهایی از چنگ جمهوری‌اسلامی در ایران باشد، اجازه نخواهد داد که وزرا و روسای این رژیم خون‌آشام به سادگی بیایند و بروند و اتیکت نمایندگی مردم ایران بر عمامه‌شان، موقعیت بین‌المللی خود را تحکیم کنند و برای قاتلین‌شان پول و گلوله و دشنه فراهم کنند. این نیرو، تا همینجا، جلوه‌هایی از قدرت‌ش را به نمایش گذاشته است. باشد که گام‌هایش توان‌تر و فریاد‌هایش پرنشین‌تر، جهنم را رویای سفر و حضر مسلمین جنایتکار حاکم بر ایران بکند.

نامه سرگشاده به رهبران سندیکا‌های کارگری در فرانسه

رفقا! جامعه ایران در تب و تاب برای به‌چنگ آوردن آزادی است. شما خوب می‌دانید که جنبش کارگری تاریخا چه نقش مهمی در کسب آزادی‌ها و انسانی کردن مناسبات اجتماعی ایفا کرده است.

طبقه کارگر ایران برای ایفای این نقش مهم در استقرار آزادی در این کشور و بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی خود و کل جامعه، نیاز به حمایت فعال شما دارد. تقویت مبارزه

کارگران ایران، تضعیف جمهوری‌اسلامی ایران و کل جنبشهای جنایتکارانه اسلامی است که از الجزایر تا افغانستان، تخم وحشت و نفرت می‌کارند و با تحمیل عقیدت‌گرده به مدنیت و انسانیت، جنبش کارگری این کشورها را هم تضعیف و تجزیه می‌کنند. تضعیف جمهوری‌اسلامی، تضعیف ارتجاع مذهبی در کل منطقه، از ایران و افغانستان تا ترکیه و اسرائیل، و تسهیل عروج و پیشروی گرایشات پیشرو و آزادیخواهانه در این منطقه مهم جهان است.

رفقا! سفر رسمی قریبالوقوع کمال خزازی وزیر امور خارجه ایران به فرانسه، معنا و نتیجهای جز تقویت جمهوری‌اسلامی و استبداد، تضعیف آزادیخواهی و جنبش کارگری، ندارد.

به دولت فرانسه برای دعوت از وزیر امور خارجه ایران اعتراض کنید و خواهان لغو این سفر شوید. خواهان حق تشکل و اعتصاب برای کارگران ایران شوید تا مبارزه برای آزادی و حرمت انسانی تقویت شود.

آزاد نسیم، مسئول تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، ۲۱ ژانویه ۹۹

فراخوان تظاهرات در فنلاند

در اعتراض به دولت فرانسه و خزازی به این کشور، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- واحد فنلاند، تظاهراتی را در مقابل سفارت فرانسه در هلسینکی برای روز سه شنبه دوم فوریه فراخوان داده و از همه مردم آزاده دعوت کرده است که در این تظاهرات شرکت کنند

آکسیون اعتراضی علیه رژیم اسلامی ایران در لس آنجلس

بدنبال فراخوان تظاهرات سراسری تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در روز ۱۷ ژانویه علیه رژیم اسلامی ایران، تظاهرات و راهپیمایی از طرف تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری ایران- واحد آمریکا در لس آنجلس برگزار شد. این تظاهرات با یک کمپین وسیع در سطح لس آنجلس آغاز شد. خبر تظاهرات در روزنامه‌های صبح ایران، عصر امروز، تلویزیون ایرانیان، تلویزیون چرا ظنین و همچنین رادیو صدای ایران و رادیو صدای جدید منعکس شد. تظاهرات ساعت ۲ بعدازظهر با شعارهای انگلیسی و فارسی آغاز شد. سپس علی جوادی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران و همچنین نماینده حزب مترقی کار برای شرکت‌کنندگان سخنرانی کردند.

مصاحبه‌ها

— مصاحبه رادیو صدای آمریکا با علی جوادی در مورد تظاهرات ۱۷ ژانویه

— مصاحبه رادیو جدید، حمید میرمطهری در لس آنجلس با رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب، درباره اعتراضات اخیر و اوضاع عمومی کردستان، ۲۸ ژانویه

— در همین زمینه مصاحبه رادیو صدای ایران، علیرضا میبیدی، با فاتح شیخ‌الاسلامی ۲۹ ژانویه

— تلویزیون فارسی زبان دورتموند با آذر مدرسی درباره فعالیت‌های اعتراضی حزب کمونیست کارگری در خارج کشور، ۷ ژانویه

— رادیو دنیای نو کپنهاگ با آذر مدرسی در ارتباط با آکسیون‌های ۱۶ ژانویه در آلمان ۱۷ ژانویه

— مصاحبه رادیو فرانسه با مینا احدی عضو کمیته مرکزی حزب درباره آکسیون‌های ۱۶ ژانویه حزب در خارج کشور

— مصاحبه رادیو فرانسه با امان کفا کادر حزب و عضو کمیته بریتانیا درباره همین آکسیون

— رادیو همبستگی مالمو و رادیو انترناسیونال استکهلم با همایون گدازرگ عضو کمیته آلمان در ارتباط با آکسیون‌های ۱۶ ژانویه در آلمان، ۱۷ ژانویه

— رادیو همبستگی (مالمو) با جعفر رسا، تحت عنوان "ایران و جهان در سالی که گذشت" ۳ ژانویه

— رادیو CIUT (Right Rdaio) با شیوا محبوبی کادر حزب کمونیست کارگری و مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران - تورنتو در مورد وضعیت زنان در ایران، نقش مذهب در ستم‌کشی زنان، حجاب و ... ۱۲ ژانویه

— رادیو همبستگی (مالمو) با جعفر رسا، تحت عنوان "ایران و جهان در سالی که گذشت" ۳ ژانویه

— رادیو محبوبی کادر حزب کمونیست کارگری و مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران - تورنتو در مورد وضعیت زنان در ایران، نقش مذهب در ستم‌کشی زنان، حجاب و ... ۱۲ ژانویه

— رادیو همبستگی (مالمو) با جعفر رسا، تحت عنوان "ایران و جهان در سالی که گذشت" ۳ ژانویه

— رادیو همبستگی (مالمو) با جعفر رسا، تحت عنوان "ایران و جهان در سالی که گذشت" ۳ ژانویه

— رادیو محبوبی کادر حزب کمونیست کارگری و مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران - تورنتو در مورد وضعیت زنان در ایران، نقش مذهب در ستم‌کشی زنان، حجاب و ... ۱۲ ژانویه

سخنرانی‌ها

— نادر بکتاش عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، درباره موقعیت رژیم اسلامی پس از اعتراف وزارت اطلاعات به دخالت مستقیم در ترورهای اخیر، در خانه حزب در کلن، ۱۶ ژانویه

— نسان نودینیان کادر حزب و عضو کمیته آلمان حزب روی همین تم در خانه حزب در برمن سخنرانی کرد، ۲۴ ژانویه

اطلاعیه‌ها

— ایران برای هیچ انسانی امن نیست، درباره تصمیم امن اعلام کردن ایران در جلسه ۲۲ ژانویه کابینه هلند، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- واحد هلند، ۲۴ ژانویه

— خارج کشور زندان اوین نیست، تا هر پامنبری و طلبه‌ای این امکان را پیدا کند در ارشاد اسلامی قربانیان توحش اسلامی در ایران بالای منبر برود، کمیته آلمان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران درباره جلوگیری از سخنرانی شخصی به نام منوچهر محمدی، که اخیرا در چارچوب یک تور تبلیغی گسترده و سازمانیافته برای حمایت از خاتمی و مبلغ معقول جلوه دادن جمهوری کثیف اسلامی در چند شهر آمریکا و اروپا جلسه گذاشته است، ۲۶ ژانویه

— پیشتر نیز (۲۱ ژانویه) کمیته آلمان در همین زمینه اطلاعیه ای با تیتیر: به مشاهده‌گران جمهوری اسلامی اجازه عرض اندام ندهیم! منتشر کرده بود

— بساط تروریست‌های جمهوری اسلامی در کانادا را برچینیم! تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - کانادا، درباره تهدید تلفنی مخالفان رژیم اسلامی توسط معدودی نوچه های رژیم در ونکوور (آقای مهرداد دانشی ناشر روزنامه "اکسپرس" در ونکوور اظهار داشته که برخی ایادی وابسته به رژیم اسلامی از طریق تلفن ایشان را تهدید کرده اند که در صورت چاپ مقالات علیه جمهوری اسلامی، "همان بلائی که بر سر نویسندگان در داخل رفت" بر سر ایشان خواهد آمد) در اطلاعیه آمده است: ما تلاشهای مذبوحانه آدمکشان و تروریست های جمهوری اسلامی را شدیدا محکوم میکنیم و از تمام مردم آزاده و سازمان های سیاسی دعوت میکنیم چنین کنند. بعلاوه،

وقت آن رسیده است که مبارزه همه جانبه برای برچیدن بساط تروریست های جمهوری اسلامی در کانادا را وسعت بخشیم. ما می دانیم اینها کجا هستند. سفارتخانه جمهوری اسلامی، انجمنهای اسلامی، مساجد و تکایای سر به جمهوری اسلامی لانه اصلی این پیام آوران سیاهی اند. ما مصمم هستیم تا به اتکاء به نیروی مبارزه مردم آزاده و با جلب حمایت جنبش کارگری کانادا و نیروهای مترقی در این لانه ها را گل بگیریم. ۲۰ ژانویه

— شعار "سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی" آقای بابک امیر خسروی و شرکا را به وحشت انداخته است! درباره اطلاعیه آذر ۱۳۷۷ "هیئت اجرایی شورای مرکزی حزب دمکراتیک مردم ایران"، سیاوش دانشور ۲۶ ژانویه

— خطاب به مردم مبارز و آزادیخواه مریوان، صالح سرداری ۲۶ ژانویه

— مردم کردستان بساط مزدوران رژیم را درهم خواهند پیچید، استاندار کردستان واقعیات را پرده‌پوشی میکند، درباره اظهارات استاندار کردستان مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی (۷ بهمن) که تظاهرات سنجند جمع صنفی بوده و جنبه سیاسی نداشته است! رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، ۸ بهمن

— ۲۸ ژانویه

تظاهرات اعتراضی در مقابل فرستنده تلویزیونی فوکس در کلن آلمان

ساعت سه بعد ازظهر روز جمعه ۱۵ ژانویه بدعوت سه سازمان زنان، کانون زن و سوسیالیزم، انجمن زنان ایرانی کلن و کمپین دفاع از حقوق زنان، تظاهراتی در مقابل ساختمان فرستنده تلویزیونی فوکس در شهر کلن آلمان برگزار شد. این تظاهرات در اعتراض به پخش فیلمی بود که در روز ۱۱ ژانویه در مورد وضع زنان در ایران، از این شبکه پخش شد. در این فیلم که آشکارا از خاتمی و جمهوری اسلامی دفاع شده بود، چنان وانمود شده بود که گویا همه زنان در ایران مدافع اسلام بوده و اصولا بخاطر اسلام و خمینی در انقلاب شرکت کرده اند، زنان از طریق انطباق خود با سختگیرهای رژیم توانسته اند در بسیاری عرصه ها باقی بمانند و امروز با درخشیدن خاتمی در عرصه سیاسی ایران، ناجی خود را یافته و به زندگی خوش و خرم در زیر سایه اسلام لیبرال ادامه میدهند. در این فیلم میکروفون فقط در اختیار زنان مرتجعی چون معصومه ابتکار و زهرا شجاعی بوده و وجود جنبش اعتراضی زنان در ایران بطور کامل انکار شده بود.

کانون زن و سوسیالیزم و کمپین زنان با تنظیم یک نامه اعتراضی و توضیح انتقادات به برنامه از مسئولین این برنامه خواهان معذرت خواهی رسمی از جنبش زنان و تهیه یک برنامه با شرکت نمایندگان گرایشات مختلف از جنبش زنان در ایران شد

روز ۱۵ ژانویه یک هیئت متشکل از طرف تظاهرکنندگان با دو تن از مسئولین فوکس به مذاکره پرداخت و در نتیجه این مذاکرات مسئولین فوکس متعهد به دادن یک اطلاعیه مطبوعاتی در مورد حرکت اعتراضی ما شده و بدعوت تهیه کننده اصلی برنامه اشترن ت فا (Stern TV) قرار شد که هیئت مذاکره کننده به هامبورگ رفته و با آنها که تهیه کننده برنامه بودند به مذاکره بپردازد.

کانون زن و سوسیالیزم، کمپین دفاع از حقوق زنان درایران ۱۷ژانویه ۹۹

نادر بکتاش

رویدادهای ایران

"اصلاح ساختار صنعت نفت" و پایان تونل!

سه شنبه ۵ بهمن وزارت نفت اعلام کرد که رئیس جمهور خاتمی سند "اصلاح ساختار صنعت نفت" را تایید کرده است. بنا به توضیح مختصری که در روزنامه ها آمده بود هدف از این طرح "افزایش کارایی، سرعت عمل، ابتکار و بهره وری در صنعت نفت است! این کلمات همه بو دارند. بوی اخراج و زدن حقوق کارگران، استعمار شدیدتر، بوی سفت کردن بندهای کنترل و اقتدار مدیریت از آن می آید. مدتهاست که وزارت نفت میخواهد ۱۳۰۰۰ کارگر قراردادی نفت را اخراج کند. آنچه که مانع شده است اعتراضات کارگران نفت جنوب و تهدید به اعتصاب سراسری کارگران نفت بوده است. آیا "اصلاح ساختار صنعت نفت" قرار است که به اجرای اخراج ها "سرعت عمل" بدهد؟ سالهاست که معیشت کارگران نفت، مثل بقیه بخشهای کارگران، دائما در حال تنزل بوده است. دو سال پیش کارگران نفت با اعتصاب و تظاهرات خود خواستار افزایش دستمزدها و اجرای قراردادهای جمعی و برسمیت شناختن هیات نمایندگان سراسری خود شدند. رژیم دائما کارگران را سردوانده است. آیا "افزایش کارایی و بهره وری" پاسخ رژیم به همه این خواستههاست؟ اعتصاب نفت در دوسال پیش طلایه جوشش های اجتماعی یکی دو سال اخیر و تغییر توازن قوای سیاسی بین رژیم و مردم بود. آیا "اصلاح ساختار" قرار است ارتباطات بین

زدخورد مردم شهرهای سنج و مریوان با مزدوران رژیم اسلامی

همچنین بنابه اطلاعیه کمیته مریوان حزب، روز یکشنبه ۴ بهمن (۲۴ ژانویه) در محله اداره راه شهر مریوان یکی از افراد نیروهای انتظامی بنام حسین برای دختری از اهالی شهر ایجاد مزاحمت کرده و دختر با او مشاجره میکند. مردم که شاهد ماجرا بوده اند حسین را کتک میزنند. با دخالت نیروهای انتظامی و اطلاعات درگیری بین مردم و آنها بالا میگیرد. حدود سه هزار نفر مردم معترض، از میدان شهربانگ تا محله اداره راه دست به تظاهرات میزنند. درگیری و تظاهرات تا دیر وقت در کوچه و خیابان ادامه داشته و در مجموع ۶۵ نفر، توسط اطلاعات و نیروهای انتظامی دستگیر شده اند. اخبار این درگیریها علاوه بر رسانه های فارسی زبان خارج کشور در روزنامه های ایران نیز وسیعا منعکس شد. از جمله روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۷ بهمن از قول استانداری رژیم در کردستان نوشته که تظاهرات و زدوخوردهای سنج صرفا یک تجمع صنفی بوده و بهیچوجه جنبه سیاسی نداشته است! در واکنش به اظهارات مقامات رژیم در کردستان رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان همچنین صالح سرداری مشاور کمیته مرکزی حزب و عضو هیات اجرایی کمیته کردستان خطاب به مردم مریوان در ارتباط با اوضاع کنونی و ضرورت تشدید مبارزه علیه رژیم جنایتکار اسلامی اطلاعیه داده است.

یک دنیای بهتر را بخوانید!

نگاهی به جهان رومانی

بار دیگر مارش کارگران معدن ...

هفته گذشته یک بار دیگر مارش کارگران معدن در رومانی سد پلیس را درهم شکست، دولت را عقب نشاند، به بحران کشاند و ادار به قبول خواست خودداری از بستن معادن و افزایش ۳۰٪ دستمزد کرد. این سومین بار در طول یک دهه است که کارگران معدن رومانی دولت حاکم بورژوازی را به مصاف می طلبند. بار اول و دوم در رویارویی با دیکتاتوری سرنگون شده چائوشسکو در ۱۹۸۹ و دیکتاتوری "دموکراتیک" جانشین شده آن در ۱۹۹۱ بود. نبرد سال ۹۱ کارگران معدن، که برای مدتی در صدر اخبار جهان قرار گرفت، به سقوط دولت وقت انجامید. مارش هفته پیش کارگران، در مصاف با دولت "لیبرال" بود که در صدد است سرعت تاختن بسوی موازین اقتصاد بازار و شرایط صندوق بین المللی پول را تا حد ممکن افزایش دهد و در این سیاست با نارضایتی و اعتراض وسیع کارگران و توده های محروم جامعه روبروست. طی سالهای پس از سرنگونی دیکتاتوری سرمایه داری دولتی چائوشسکو، ماهیت ارمغانی که سرمایه داری بازار آزاد برای توده مردم داشته است به روشنی در محرومیت اکثریت عظیم جامعه، در افزایش بیکاری و بی تأمینی فزاینده کارگران و مردم کارکن جامعه خود را نشان داده است. اگر برای شناخت ضدیت دیکتاتوری اقتصاد دولتی چائوشسکو با منافع کارگران و توده مردم و رهائی از چنگ آن رژیم، در شرایط جهان دوقطبی، چند دهه زمان لازم بود، مردم رومانی، همچون مردم سایر جوامع بلوک شرق سابق، در کمتر از یک دهه ماهیت دیکتاتوری "دموکراتیک" و سیاست های بازار آزاد را با گوشت و خون لمس کرده و روزمره اعتراض و نارضایتی خود را به شیوه های گوناگون علیه آن ابراز داشته اند. به همین دلیل مارش ده هزار نفری کارگران معدن در هفته گذشته با برخورداری از پشتیبانی وسیع توده ای توانست نه تنها سد پلیس را بشکند، وزیر کشور را به استعفا وادار بلکه تهدید رئیس جمهور امیل کنستانتینسکو به استفاده از ارتش را هم خنثی کند. سرانجام روز ۲۲ ژانویه دولت با نماینده کارگران به گفتگو نشست و پای خواستههایشان امضاء گذاشت. تعهد دولت به خودداری از بستن معادن و پذیرش ۳۰٪ افزایش دستمزد، در شرایطی که تا چند روز پیشتر، مارش کارگران را غیرقانونی اعلام کرده و به آن وعده سرکوب نظامی داده بود، پیروزی ارزشمندی برای کارگران و عقب نشینی مفتضحانه ای برای دولت بورژوازی شمرده میشود. نیروی بالقوه کارگران البته قادر به تحقق دستاوردهای بسیار بیشتر و بالاتری بود. عقب نشینی فوری دولت و نتایج بدست آمده، قبل از هر چیز ترس بورژوازی از آن نیروی بالقوه را بنمایش گذاشت. بر خلاف آنچه رسانه های بورژوازی برجسته میکنند، نقطه ضعف اساسی کارگران معدن رومانی، در آن نیست که معادن سودآوری ندارند و در نتیجه مبارزه شان برای بازنگهداشتن آنها بی حاصل و بی چشم انداز است، بلکه در آن است که با وجود شرایط مساعد اجتماعی و سیاسی، آنها بدست گرفتن قدرت را در چشم انداز مبارزات خود قرار نداده اند. کارگران رومانی توانسته اند دولتها را بیندازند، طی این ده سال بطور فزاینده ای از سمپاتی اجتماعی وسیع و پرحرارتی برخوردار بوده اند، با اینهمه بعنوان صاحبان اصلی جامعه ظاهر نشده و کسب قدرت سیاسی را در دستور مبارزه خود نداشته اند. برعکس، تا آنجا که به رهبر عملی آنها "میرون کوزما" بر میگردد (کسی که رسانه های بورژوازی او را به لُخ والنسا تشبیه میکنند)، بجای درس گرفتن از تجارب ده ساله و روی آوردن به تلاش نقشه مند و سازمانیافته برای قدرتگیری و برقراری حکومت کارگری، بیشتر از پیش به راست چرخیده و به ملی گرایی افراطی بورژوازی رومانی نزدیکتر شده است. پیروزی ناتمام مارش هفته پیش کارگران معدن رومانی بار دیگر نشان داد که کارگران، همه جا، برای رهائی از مشقات و مصائب سرمایه داری به انقلاب و کسب قدرت نیاز دارند و برای کسب قدرت نیز بیش از هر چیز به بینش و برنامه و سیاست کمونیستی و به حزب کمونیست کارگری خود.

ایسکرا را به دوستان و آشناهایتان در ایران برسانید!

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Postfach 103137 50471 Köln Germany	BM Box 8927 London WC1N 3XX England	W.P.I Box 719stn.P Toronto, ONT .M5S 2Y4 Canada
Postgiro: 4492709-3 K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Z.I.KONTO: 17116703 BLZ: 10090000 Berliner Volksbank Germany	Account No:6722-5007687 Royal Bank of Canada 10 Eglinton Ave. E Toronto, Ont M4P 2W7 Canada	

Fax: (1) 416 515 67 22
E.Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se

ملزومات و موانع آزادی زن در ایران امروز

۲-۴ آوریل ۱۹۹۹ ۱۵-۱۳ فروردین ماه ۱۳۷۸

مدوسا بزودی اولین کنفرانس خود را تحت نام "ملزومات و موانع آزادی زنان در ایران امروز" برگزار میکند.

در این کنفرانس شرایط تحقق آزادی زنان در ایران و روش و استراتژی تحقق این امر با حضور صاحب نظران در امر مساله زن و شخصیت های سرشناس سازمان ها و کمیته های زنان در ایران و خارج کشور به بحث گذاشته میشود.

این کنفرانس در تاریخ ۲-۴ آوریل ۱۹۹۹ برابر با ۱۵-۱۳ فروردین ماه ۱۳۷۸ در استکهلم، سوئد برگزار میشود. از علاقمندان حضور در کنفرانس، چه بعنوان شرکت کننده و چه بعنوان عضو پانل تقاضا میکنیم که برای کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرند. محل کنفرانس و اطلاعات دقیقتر از چند هفته قبل از شروع کنفرانس از طریق پوسترها و نشریات مختلف فارسی زبان به اطلاع عموم خواهد رسید.

علاوه بر مبحث اصلی کارگاه های ویژه ای نیز در کنفرانس برگزار میشود. از علاقمندان به برگزاری کارگاه میخواهیم که در اسرع وقت با ما تماس بگیرند.

زبان کنفرانس فارسی است.

شماره تلفن ها و فکس برای تماس: 0046-707-74 40 20 سوئد

تلفن: 0049-177-56 92 413 آلمان
فکس: 0049-40-360 309 1183

با آدرسهای ای میل زیر میتوانید مستقیما طریق سردبیر مدوسا تماس بگیرید.
azarmajedi@yahoo.com editor_medusa@yahoo.com

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

برنامه آزمایشی
شنبه و جمعه ها ۲/۵ تا ۳/۵ بعد از ظهر بوقت تهران BMBO1499
London W1CN 3XX
Radio
۲۵ متر موج کوتاه SW
KU

اطلاعیه دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران

دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران، مسئول تماس حزب با خبرگزاریها، رسانهها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و همچنین شخصیتهای سیاسی است. نهادهای علاقمند میتوانند سوالات و پرسشهای خود در ارتباط با اهداف، سیاستها، و آکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران را از طریق تماس با این دفتر دریافت دارند.

Ali Javadi
P.O.Box 241412
Los Angeles, CA. 90024, USA
Email: Javadi@worker-socialism.com
Tel/Fax: (1)310-445-9228

به حزب کمونیست کارگری ایران کمک مالی کنید

شماره فاکس کمیته داخل حزب
۱- ۴۱۶- ۵۱۵- ۳۷۶۹